

خرداد ۱۴۰۱
مسلسل: ۱۸۲۴۲

تحصیل کودکان مهاجر در ایران

چالش‌های تقنینی، نظارتی و اجرایی و راهکارهای پیشنهادی





مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۸۲۴۲

کد موضوعی: ۲۱۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: تحصیل کودکان مهاجر در ایران (چالش‌های تقنینی، نظارتی و اجرایی و راهکارهای پیشنهادی)

نام دفتر: مطالعات اجتماعی

تهیه و تدوین کنندگان: سیدپیمان حقیقت‌طلب، مریم جان‌قربان، حسین غفاری، محمد مهدی دهدار

اظهار نظر کنندگان: مصطفی جهانبخش، محمود رضایی

ناظران علمی: سامان یوسفوند، حسین بابایی مجرد، کامیل قیدرلو

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. تحصیل اتباع

۲. کودکان مهاجر

۳. تابعیت

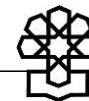


تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۳/۱۶

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	خلاصه مدیریتی.....
۴.....	مقدمه.....
۵.....	موج‌های مهاجرتی به ایران براساس کشورهای مبدأ.....
۶.....	تحصیل کودکان مهاجر در چهل سال اخیر.....
۶.....	فقدان وحدت رویه درخصوص سیاست‌های پیرامون مسئله تحصیل کودکان اتباع.....
۶.....	دهه ۱۳۶۰؛ غلبه سیاست درهای باز پیش روی اتباع و تسهیل تحصیل کودکان.....
۷.....	دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰؛ غلبه سیاست بازگشت اتباع و اختلال در تحصیل کودکان.....
۹.....	دهه ۱۳۹۰؛ فرمان رهبری و حق تحصیل کودکان مهاجر در ایران.....
۱۰.....	تحصیل کودکان مهاجر از دریچه آمار و ارقام.....
۱۳.....	چالش‌های تحصیل کودکان مهاجر در ایران.....
۱۴.....	چالش‌های قانونی و اجرایی.....
۱۸.....	چالش‌های فرهنگی.....
۲۰.....	چالش‌های اقتصادی.....
۲۲.....	چالش‌های اجتماعی.....
۲۴.....	چالش‌های امنیتی.....
۲۵.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۲۶.....	راهکارهای پیشنهادی برای بهبود وضعیت تحصیل کودکان مهاجر در ایران.....
۲۸.....	منابع و مآخذ.....



تحصیل کودکان مهاجر در ایران چالش‌های تقنینی، نظارتی و اجرایی و راهکارهای پیشنهادی

خلاصه مدیریتی

تعداد دانش‌آموزان غیرایرانی ثبت‌نام شده در مدارس کشور ایران از سال ۱۳۸۵، با شیبی ثابت رو به افزایش بوده است. در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ بیش از ۵۰۳ هزار دانش‌آموز اتباع غیرایرانی در بیش از ۲۸ هزار مدرسه ایرانی سراسر کشور ثبت‌نام شده بودند. این در حالی است که همواره سیاست‌های متفاوتی در طول ۴۰ سال اخیر درخصوص نحوه مواجهه با دانش‌آموزان اتباع، اعم از پذیرش یا عدم پذیرش آنها، رایگان بودن تحصیل آنها، شرایط تحصیل کودکان اتباع در نسبت با مسائل اقامتی ایشان و مانند آن، اتخاذ شده است.

سیاست‌های پیرامون مسئله تحصیل اتباع همواره متأثر از سیاست‌های کلی دولت درخصوص اتباع افغانستانی (به دلیل غلبه تعداد اتباع این کشور نسبت به سایر کشورها در ایران) بوده است. از یک سو، در ایران خدمات آموزشی به اتباع قانونی به شکلی سخاوتمندانه ارائه می‌شود و از سوی دیگر، به دلیل حضور حدود دو میلیون نفر مهاجر غیرقانونی، موانع متعددی پیش روی این کودکان قرار دارد. بر این اساس، می‌توان گفت همواره دو قطب مخالف در مسئله مهاجران افغانستانی به ایران در سطح سیاستگذاری وجود داشته است:

- نگاه تهدیدمحور با محوریت سیاست‌های بازگشت مهاجران و بار مالی آموزش اتباع افغانستانی برای دولت ایران،

- نگاه فرصت‌محور جهت اشاعه فرهنگ ایرانی - اسلامی در منطقه و به‌ویژه درخصوص مهاجران قانونی و همچنین پس از انتشار فرمان رهبری.

پیش از انتشار فرمان مقام معظم رهبری مبنی بر حق تحصیل همه کودکان مهاجر حاضر در ایران در سال ۱۳۹۴، تنها دانش‌آموزان دارای مدرک اقامت قانونی با پرداخت هزینه‌های تحصیل حق تحصیل در مدارس ایران را داشتند. این فرمان نقطه عطفی در تاریخ تحصیل کودکان مهاجر در ایران بود که سه تغییر زیر را موجب شد:

۱. رایگان شدن حضور دانش‌آموزان مهاجر در مدارس دولتی ایران،
۲. فراهم شدن امکان تحصیل کودکان مهاجر غیرقانونی و بدون مدرک،
۳. تعیین تکلیف مدارس خودگردان (مدارسی که مهاجران حاضر در ایران ایجاد و مدیریت می‌کردند).

اما تحصیل کودکان مهاجر در مدارس ایران با چالش‌های مختلفی روبه‌رو است که برخی از این چالش‌ها عبارتند از:

الف) چالش‌های قانونی و اجرایی

- نبود روال مشخص و پایدار در آیین‌نامه‌های داخلی پیرامون ثبت‌نام کودکان بدون مدرک و عدم ثبت‌نام آنان در برخی موارد،
- اجرای سلیقه‌ای قوانین و آیین‌نامه‌ها در مدارس و عدم نظارت کافی،
- تبدیل شدن نقصان قانونی به ناکارآمدی اجرایی در زمینه ورود و اقامت مهاجران و تبدیل حق تحصیل کودکان به دستاویز و مدرکی جهت اقامت خانواده.

ب) چالش‌های فرهنگی

- مطالبه جداسازی کلاس‌های درس در سطوح بالای تصمیم‌گیری کشور،
- نبود محتوای آموزشی متناسب با همزیستی کودکان ایرانی و مهاجر در کنار هم در مدارس،
- عدم بازآموزی کادر آموزشی و اجرایی مدارس،
- عدم اهتمام به تحصیل دختران مهاجر در برخی مناطق.

ج) چالش‌های اقتصادی

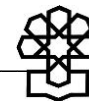
- ضعف جدی وضعیت معیشتی خانواده‌های مهاجر و ضرورت اشتغال به‌کار کودکان مهاجر برای تأمین نیازهای خانواده،
- تنگنای اقتصادی خانواده برای ثبت‌نام چند فرزند در مدرسه و ایجاد هزینه‌های ناپیدای زندگی مهاجران در ایران.

د) چالش‌های اجتماعی

- حاشیه‌نشینی جمعیت مهاجران در کشور،
- ناپایداری حضور مهاجران در ایران و حضور بدون چشم‌انداز آنان در ایران،
- فقدان همبستگی بین نهاد آموزش و سایر نهادهای خدمت‌رسان به مهاجران،
- ذهنیت و مواجهه مهاجران و جامعه ایرانی به‌صورت متقابل و همچنین وجود ابهامات فراوان در خصوص وضعیت مهاجران در ایران،
- ذهنیت منفی مهاجران از موطن‌شان.

ه) چالش‌های امنیتی

- جمعیت مهاجران بازمانده از تحصیل در نسل دوم و سوم مستعد بزهکاری به‌واسطه محرومیت اجتماعی،
 - بازنمایی منفی از مهاجران طرد شده از مدارس در رسانه‌های بیگانه.
- برای مدیریت چالش‌های گفته شده و کاهش آثار منفی این چالش‌ها و افزایش فرصت‌های حاصل



از فرمان رهبری مبنی بر حق تحصیل همه کودکان مهاجر حاضر در ایران، این گزارش پیشنهاد‌های تقنینی، نظارتی و اجرایی زیر را ارائه داده است: (لازم است تأکید شود که هریک از پیشنهاد‌های اجرایی نیز در صورت پایداری وضعیت تحصیل کودکان در قالب پیشنهاد‌های تقنینی و نظارتی، قابلیت تبدیل به یک مطالبه نظارتی را داراست).

پیشنهاد‌های تقنینی

- تدوین قانون ادغام اجتماعی اتباع و تأکید بر یک سرفصل ذیل آن در خصوص تحصیل کودکان.

پیشنهاد‌های نظارتی

- پیگیری نظارتی از دولت در مورد کیفیت و کمیت وضعیت اجرای فرمان رهبری در خصوص تحصیل کودکان مهاجر برای جلوگیری از تفسیرهای شخصی و پایدارسازی روند اجرای آن،
- پیگیری نظارتی از دولت برای در اولویت قرار دادن برگزاری سریع و گسترده دوره‌های آموزشی برای مدیران، کادر و معلمان مدارس پذیرنده مهاجران با هدف اشاعه پروتکل‌ها و استانداردسازی رفتار با مهاجران و کودکان مهاجر در قالب آیین‌نامه‌های داخلی آموزش و پرورش.

پیشنهاد‌های اجرایی

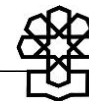
- تدارک تشکیل کمیته یا کارگروه ویژه در ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها برای بررسی موارد خاص تحصیل مهاجران و جلوگیری از اعمال سلیق شخصی در موارد گوناگون،
- فعال‌سازی ظرفیت‌های فعالان افغانستانی برای تأسیس مدارس خودگردان به‌ویژه به‌عنوان اولین پایگاه ادغام دانش‌آموزان مهاجر برای ورود به مدارس ایرانی با محتوای درسی استاندارد و تحت نظارت مستقیم وزارت آموزش و پرورش،
- عدم جداسازی اجباری دانش‌آموزان ایرانی و افغانستانی در مدارس و جلوگیری از جدا کردن اجباری شیفت دانش‌آموزان مهاجر از شیفت دانش‌آموزان ایرانی در مدارس دو شیفته و اولویت تحصیل این دو گروه در کنار هم و در کلاس‌های مشترک و در شیفت‌های یکسان در قالب آیین‌نامه‌های داخلی آموزش و پرورش،
- توسعه آموزش مجازی برای کودکان اتباع بازمانده از تحصیل،
- لزوم تولید محتوای آموزشی در کتاب‌های درسی در خصوص معرفی و شناخت حوزه تمدنی ایران در محدوده‌ای از هندوستان، افغانستان، پاکستان و کشورهای آسیای میانه (تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و قزاقستان) و حوزه جغرافیایی قفقاز (آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) و همچنین دوران اسلامی به‌منظور آشناسازی هم‌زمان دانش‌آموزان ایرانی و مهاجر در خصوص ارتباطات فرهنگی و ثیق کشورها در گذشته با محوریت چهره‌ها و مفاخر تاریخی ایران فرهنگی،
- تولید محتوای آموزشی در کتاب‌های درسی جاری کشور با موضوع توجه به مهاجران و پذیرش اختلاف‌ها و دعوت به وحدت کودکان ایرانی با مهاجران با محوریت تعمیق فرهنگ اخوت اسلامی،

- برقراری ارتباط سازمانی میان خیریه‌ها و مدارس با هدف رفع کمبودهای ضروری دانش‌آموزان مهاجر.
- توجه به آموزش‌های مهارتی، فنی و هنرستانی در مدارس دارای سرانه بالای مهاجران با هدف توسعه اشتغال سالم،
- سرمایه‌گذاری در حوزه بازنمایی رسانه‌ای حضور دانش‌آموزان مهاجر در ایران و روایت داستان‌های واقعی تحصیل آنان در مدارس ایران در سطح بین‌المللی، جهت ایجاد تصویر مثبت از ایران در جهان و افزایش جذب کمک‌های بین‌المللی.

مقدمه

تحصیل کودکان مهاجر پس از امنیت یکی از دغدغه‌های همیشگی مهاجران ساکن در ایران از دیرباز تا به امروز بوده است. درعین حال امکان تحصیل کودکان و نوجوانان مهاجر افغانستانی در ایران همواره با فرازونشیب‌هایی روبه‌رو بوده است. از یک سو، سیاست‌های ناظر بر تحصیل کودکان اتباع قانونی به‌صورتی نسبتاً مطلوب پیگیری شده و از سوی دیگر، به‌دلیل حضور بیش از ۲ میلیون و ۲۵۰ هزار مهاجر غیرقانونی^۱ - به‌ویژه پس از حملات مکرر طالبان در این کشور - عملاً سازوکار مشخص و با وحدت رویه قانونی و اجرایی درخصوص این گروه از مهاجران وجود ندارد. فقدان سامان‌دهی و ضعف مدیریت در این حوزه خود را در قالب مسائلی از جمله عدم پذیرش کودکان فاقد مدارک قانونی اقامت، رایگان نبودن آموزش در برخی دوره‌ها به‌صورت قانونی و دریافت پول در قبال آموزش به‌صورت غیرقانونی در برخی دوره‌ها برخلاف آیین‌نامه‌های داخلی آموزش و پرورش، فعالیت مدارس خودگردان و به‌رسمیت نشناختن این مدارس تا دوره زمانی مشخص و عدم نظارت بر نحوه فعالیت و مانند اینها نشان داده است.^۲ فرازونشیب‌هایی که این گروه از اتباع به‌عنوان جمعیتی نسبتاً پایدار در طول حدود ۴۰ سال با آن مواجه بوده‌اند، همگی تحت تأثیر عدم اتخاذ سیاست مشخص پیرامون مسئله اتباع به‌ویژه مهاجران افغانستانی (به‌دلیل حضور غیرقانونی بخش اعظمی از این جمعیت و عدم تعیین تکلیف درخصوص آنها) بوده است. به‌عبارت دقیق‌تر می‌توان مسئله تحصیل کودکان را زیرمجموعه کلان مسئله اتباع در ایران تحلیل کرد. بنابر اهمیت این مسئله و ابعاد اجتماعی مختلفی که این مسئله در زیرمجموعه خود دارد (کودکان نسل دوم و سوم مهاجر در ایران، کودکان مهاجرانی که به‌صورت غیرقانونی به ایران آمده‌اند و حضورشان در ایران غیرقانونی است، کودکان بی‌شناسنامه حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی^۳ و مانند

۱. پناهندگان در ایران، صفحه ایران در سایت کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان.
 ۲. آرش نصر اصفهانی و سید حسن حسینی. بررسی تأثیر سیاست‌های تحصیل اتباع افغانستانی در ایران (مورد مطالعه: شهر تهران)، نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی، فصل پاییز، ش ۲۰، ۱۳۹۵، صص ۵۵-۶۰.
 ۳. سید پیمان حقیقت‌طلب، اصلاح قانون اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی: از تصویب تا مشکلات اجرایی و راهکارهای پیشنهادی، معاونت پژوهش‌های اجتماعی فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اجتماعی، ۱۴۰۰.



آن) و همچنین ضرورت تعیین تکلیف درخصوص تحصیل این کودکان به عنوان حق اولیه انسانی و البته به دلیل وضعیت پایدار مهاجرت و سکونت اتباع به ایران، در گزارش حاضر تلاش شده روند مهاجرت و تحصیل کودکان مهاجر در ایران در چهل سال اخیر براساس آخرین آمار و ارقام مورد بررسی قرار گیرد و مهم‌ترین چالش‌های تحصیل این کودکان در مدارس ایران از جنبه‌های قانونی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی احصا شود. درنهایت در جمع‌بندی این گزارش برای کاهش آثار منفی این چالش‌ها راهکارهای تقنینی، نظارتی و اجرایی پیشنهاد شده است.

موج‌های مهاجرتی به ایران براساس کشورهای مبدأ

مواجهه کشور ایران با پدیده مهاجرت‌های بین‌المللی از ابتدای انقلاب اسلامی آغاز شد. عموماً نوع مهاجرت‌ها به کشور ایران از نوع اجباری، پناهندگی و پناهجویی بوده است. براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ مرکز ملی آمار ایران، جمعیت مهاجران بین‌المللی که به صورت رسمی در ایران سکونت دارند، بالغ بر یک میلیون و ۶۵۴ هزار نفر بود که از این تعداد مهاجران افغانستانی، عراقی و پاکستانی اکثریت مهاجران بین‌المللی را تشکیل می‌دهند. درحقیقت ۹۵ درصد از مهاجران حاضر در ایران «افغانستانی» و دو درصد «عراقی» و حدود یک درصد «پاکستانی» هستند.^۱

پناهندگان افغانستانی طی پنج موج اصلی به ایران وارد شدند. موج اول؛ در سال ۱۳۵۸ و با حمله شوروی به افغانستان شروع شد. موج دوم؛ پس از خروج شوروی از افغانستان و وقوع درگیری‌های داخلی در افغانستان به وقوع پیوست. موج سوم؛ مهاجران افغانستانی هم‌زمان با ظهور و قدرت گرفتن طالبان در افغانستان. موج چهارم؛ پس از حمله آمریکا به افغانستان^۲ و موج پنجم مهاجرت نیز پس از تسلط مجدد طالبان بر افغانستان در سال ۱۴۰۰ اتفاق افتاد.

مهاجران عراقی نیز در دهه اول انقلاب اسلامی حضور پُرنرنگی در ایران داشتند. در سال ۱۳۵۹ و با وقوع جنگ ایران و عراق، صدام حدود یک میلیون عراقی شیعه را که گفته می‌شد ایرانی‌الاصل هستند در مرزهای ایران رها کرد و این افراد به ایران پناهنده شدند. افزون بر آن از سال ۱۳۷۰ با وقوع انتفاضه شعبانیه در عراق، حدود ۵۰۰ هزار شیعه عراقی دیگر نیز به ایران پناهنده شدند. اما در دهه‌های بعد با تعیین تکلیف تابعیت عده‌ای از عراقی‌های ایرانی‌الاصل و مهاجرت مجدد آنان تعداد این مهاجران در ایران کاهش یافت.^۳

از همان بدو ورود مهاجران و پناهندگان به کشور ایران، مسئله تحصیل و آموزش، یکی از دغدغه‌های اصلی خانواده‌های مهاجر در ایران محسوب می‌شد. به گونه‌ای که پیمایش‌های میدانی بیان می‌دارد که

۱. مرکز ملی آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵. تهران، مرکز ملی آمار ایران، ۱۳۹۵.
۲. حقیقت‌طلب، سیدپیمان، شهرابی فراهانی، محسن. فرزندان حاصل از ازدواج بانوان ایرانی با اتباع خارجی: بررسی مشکلات، مسائل و ارائه راهکارها، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷.
۳. همان.

مهم‌ترین دغدغه پناهندگان افغانستانی در ایران پس از امنیت، آموزش نسل جوان‌تر است. طیف گسترده‌ای از نسل اول مهاجران در دهه ۶۰ عمدتاً بی‌سواد بودند و راه‌اندازی آموزش اجباری و مدارس مختلط توسط روس‌ها و قانون جدید ازدواج تعیین شده توسط آنان را دلیل اصلی مهاجرت خود ذکر می‌کردند. مدارس در ایران از نظر جنسیتی جدا بودند و از طرف دیگر محتوای درسی ارائه شده در مدارس بنابر آموزه‌های اسلام بود و همین باعث شد تا مهاجرانی که برای جلوگیری از ورود کودکان خود به مدارس دایر شده توسط شوروی به ایران مهاجرت کرده بودند، به تدریج مطالبات جدیدی در خصوص حضور کودکان و دختران خود به مدارس داشته باشند.^۱

تحصیل کودکان مهاجر در چهل سال اخیر

فقدان وحدت رویه در خصوص سیاست‌های پیرامون مسئله تحصیل کودکان اتباع

در طول ۴۰ سال اخیر، همواره سیاست‌های متفاوتی در خصوص نحوه مواجهه با دانش‌آموزان اتباع اعم از پذیرش یا عدم پذیرش آنها، رایگان یا پولی بودن تحصیل آنها، شرایط تحصیل کودکان اتباع به نسبت مسائل اقامتی ایشان و مانند آن، اتخاذ شده است. مسئله تحصیل اتباع همواره متأثر از سیاست‌های کلی دولت در خصوص اتباع افغانستانی (به دلیل غلبه تعداد اتباع این کشور نسبت به سایر کشورها در ایران) بوده است. از یک سو، در ایران خدمات آموزشی به اتباع قانونی به شکلی سخاوتمندانه ارائه می‌شود و از سوی دیگر، به دلیل حضور حدود ۲ میلیون و ۲۵۰ هزار مهاجر غیرقانونی،^۲ موانع متعددی پیش روی این کودکان قرار داشته است. بر این اساس، می‌توان گفت همواره دو قطب مخالف در مسئله تحصیل کودکان مهاجران افغانستانی در ایران در سطح سیاست‌گذاری وجود داشته است:

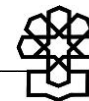
- نگاه تهدیدمحور به دلیل غلبه سیاست‌های بازگشت مهاجران غیرقانونی و بار مالی آموزش اتباع افغانستانی برای دولت ایران،

- نگاه فرصت‌محور به‌ویژه در خصوص مهاجران قانونی^۳ و همچنین پس از انتشار فرمان رهبری.

دهه ۱۳۶۰؛ غلبه سیاست درهای باز پیش روی اتباع و تسهیل تحصیل کودکان

در دهه ۱۳۶۰، سیاست ایران در قبال مهاجران به‌خصوص مهاجران افغانستانی سیاست درهای باز بود.^۴ در سال تحصیلی ۱۳۶۸-۱۳۶۷ تعداد دانش‌آموزان افغانستانی که در مدارس دولتی شهر مشهد

۱. هما هودفر. تلاش جوانان پناهنده افغانی در ایران برای امتناع از حاشیه‌ای بودن، مجله گفتگو، تیرماه ۱۳۸۶، ص. ۴۰-۴۰.
 ۲. پناهندگان در ایران، صفحه ایران در سایت کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان.
 ۳. نصر اصفهانی، آرش، حسینی، سید حسن. بررسی تأثیر سیاست‌های تحصیل اتباع افغانستانی در ایران (مورد مطالعه: شهر تهران)، نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی، فصل پاییز، ش ۲۰، ۱۳۹۵، صص ۶۰-۵۵.
 ۴. نصر اصفهانی، آرش. در خانه برادر، پناهندگان افغانستانی در ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۷.



ثبت‌نام کرده و مشغول به تحصیل بودند، برابر با ۳۵،۴۶۵ نفر بود. از این تعداد ۳۴،۴۰۰ نفر به عبارتی ۹۷ درصد شیعه و ۳ درصد سنی بودند. در همان سال تحصیلی تعداد افغانستانی‌هایی که در نهضت سوادآموزی خراسان ثبت‌نام کرده بودند، برابر با ۲۴،۲۵۴ نفر بود.^۱ این آمارها بیانگر سهولت تحصیل کودکان مهاجر در مدارس ایرانی در دهه ۶۰ است.

دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰؛ غلبه سیاست بازگشت اتباع و اختلال در تحصیل کودکان

براساس نکات طرح شده در جلسات کارشناسی برگزار شده در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سیاست بازگشت مهاجران سیاستی بود که در تحصیل کودکان مهاجر در ایران اختلال ایجاد کرد.

در دهه ۱۳۷۰ و پس از پایان جنگ تحمیلی به تدریج سیاست رسمی ایران تغییر یافت. در آذر سال ۱۳۷۱ دولت ایران با دولت افغانستان و کمیساریای پناهندگان سازمان ملل متحد قرارداد سه‌ساله‌ای با هدف تسهیل بازگشت مهاجران به کشورشان امضا کرد. در سال ۱۳۷۲ نیز طرح «بازگشت آوارگان افغانی به موطنشان» در شورای عالی امنیت ملی تصویب و وزارت کشور و کمیته هماهنگی امور آوارگان اجرایی کرد. در همین راستا دولت یارانه‌های سلامت و آموزش را برای مهاجران و پناهندگان قطع کرد و گروه‌هایی که از سال ۱۳۷۱ به ایران آمدند، دیگر از حق تحصیل و درمان رایگان برخوردار نبودند. این مهاجران جدید که بالغ بر ۵۵۰ هزار نفر بودند، مجوزهای موقت دریافت کردند. کودکان این افراد نیز از امکان ثبت‌نام در مدارس برخوردار نبودند.^۲

یکی از پیامدهای ایجاد این وضعیت برای مهاجران شکل‌گیری مدارس موسوم به خودگردان در ایران بود. مدارس خودگردان به مدارسی اطلاق می‌شود که افراد فرهنگی دلسوز با توجه به نیاز و ضرورت آموزش مهاجران افغانستانی در ایران تأسیس و بدون حمایت یا سرپرستی ارگان‌های دولتی و با مدیریت افرادی غالباً غیر حرفه‌ای اداره می‌شود.^۳ عموم مدارس خودگردان در دهه ۷۰ و پس از ایجاد محدودیت‌ها در تحصیل کودکان مهاجر شکل گرفتند. اما مطالعات میدانی و مطالب بیان شده در جلسات کارشناسی برگزار شده در مرکز پژوهش‌های مجلس، حاکی از آن است که در دهه ۶۰ نیز تعداد محدودی از مدارس خودگردان افغانستانی‌ها مشغول به فعالیت بوده‌اند.

در سال ۱۳۸۲ نماینده وزارت معارف افغانستان در تهران اعلام کرد که سالیانه، ۹۰ هزار دانش‌آموز در مدارس خودگردان در ایران تحصیل می‌کنند. تعداد بالای مدارس خودگردان باعث شد تا از سال ۱۳۸۲ در سفارت افغانستان در تهران یک نماینده ویژه جهت سامان‌دهی این مدارس مستقر شود.^۴

۱. امیر خان محمدی. پیامدهای مهاجرت افغان‌ها به ایران از سال ۱۳۵۷ به بعد. قم، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی حجتیه، ۱۳۸۵.

۲. آرش نصر اصفهانی، همان.

۳. احمد حیدری عبیدی، بررسی میزان رضایت شغلی معلمان مدارس خودگردان افغانی استان اصفهان (پایان‌نامه). اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۴.

۴. سید نادر موسوی، بررسی کارکردهای مدارس خودگردان افغانستانی (پایان‌نامه). تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.

سیاست ایران در قبال مهاجران در سراسر دهه ۷۰ و ۸۰، براساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی مبنی بر «بازگشت آوارگان افغانی به موطنشان» در سال ۱۳۷۲ سیاست بازگشت بود و پیرو آن، ثبت‌نام کودکان مهاجر افغانستانی در مدارس دولتی با محدودیت‌های هرچه بیشتری روبه‌رو می‌شد. ازسوی دیگر با روی کار آمدن طالبان در سال ۱۳۷۵ در افغانستان، مهاجرت خانواده‌های افغانستانی به ایران فزونی گرفت و تقاضا برای تحصیل در مدارس خودگردان نیز افزایش یافت. براساس مطالعات میدانی صورت گرفته در مدارس خودگردان، بیشینه تعداد دانش‌آموزان این مدارس در سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۷۸ به‌گونه‌ای بود که گاه مدارس در چهار شیفت مشغول ارائه خدمات می‌شدند.^۱ براساس نکات مطرح شده در جلسات کارشناسی برگزار شده در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مدارس خودگردان هیچ‌گاه تا پیش از فرمان رهبری در سال ۱۳۹۲ مبنی بر حق تحصیل همه کودکان مهاجر، ازسوی حاکمیت ایران به رسمیت شناخته نشدند. به تدریج و از اوایل دهه ۸۰ و پس از حمله آمریکا به افغانستان و تشکیل دولت انتقالی، سخت‌گیری‌ها نسبت به مدارس خودگردان افزایش پیدا کرد. بهانه اصلی این سخت‌گیری‌ها نقش تشویقی وجود این مدارس در عدم بازگشت مهاجران به کشور خودشان، امکان مهاجرت‌های تازه به انگیزه تحصیل کودکان در مدارس، استاندارد نبودن آموزش در این مدارس و ترویج آموزه‌های طالبانیسم به دلیل عدم نظارت حاکمیت بر مدارس اعلام شده است.

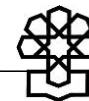
از سال ۱۳۸۳ و براساس آیین‌نامه وزارت کشور فعالیت مدارس خودگردان ممنوع اعلام شد. تحصیل کودکان مهاجر دارای مدرک اقامتی معتبر در مدارس دولتی نیز به شرط پرداخت شهریه به صورت آزاد میسر بود.^۲ با توجه به اینکه اکثر خانواده‌های مهاجر جزء دهک‌های پایین اقتصادی جامعه ایران هستند، عملاً با این مصوبات تحصیل کودکان‌شان در مدارس دولتی غیرممکن شد. تعداد دانش‌آموزان شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۱۳۸۱-۱۳۸۰ بالغ بر ۱۹۲ هزار نفر بود. این رقم در سال ۱۳۸۴-۱۳۸۳ به ۸۴ هزار نفر کاهش پیدا کرد. در سال تحصیلی ۱۳۸۵-۱۳۸۴ تعداد دانش‌آموزان به ۱۶۲ هزار نفر رسید و پس از آن بار دیگر بعد از سال ۱۳۸۶-۱۳۸۵ رقم به ۱۹۹ هزار نفر افزایش پیدا کرد.^۳

از سال ۱۳۸۶، سیاست ایران در برابر مهاجران افغانستانی تغییر کرد. طی سال‌های پس از ۱۳۸۵ هیچ اظهارنظر رسمی از مقامات ارشد کشور را نمی‌توان یافت که در آن به خروج همه افغانستانی‌ها از ایران اشاره شده یا ضرب‌الاجلی تعیین شده باشد. در سال ۱۳۸۹، «طرح جامع سامان‌دهی اتباع خارجی» در شورای عالی امنیت ملی ایران به تصویب رسید. براساس این طرح همه اتباع غیرقانونی می‌توانستند با ثبت‌نام در این طرح مدارک قانونی دریافت کنند. در سال ۱۳۹۱ نیز اعلام شد که براساس این طرح

۱. همان.

۲. آیین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی وزارت کشور شماره ۴۲۳/ت۲۹۹۸۳ هـ تاریخ ۱۱/۰۱/۱۳۸۳.

۳. رسول صادقی، ادغام و پیشرفت آموزشی کودکان پناهنده در ایران، تهران، انتشارات مرکز امور بین‌الملل و مدارس خارج از کشور وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۹.



۱.۵ میلیون نفر سامان‌دهی شده‌اند.^۱ تغییر سیاست حاکمیت از بازگشت مهاجران به سامان‌دهی ایشان، بر تحصیل کودکان مهاجر نیز اثر گذاشت. تعداد این دانش‌آموزان در مدارس دولتی افزایش^۲ و تعطیلی مدارس خودگردان کاهش یافت. در نهایت در سال ۱۳۹۴ انتشار فرمان رهبری مبنی بر حق تحصیل همه کودکان مهاجر در ایران نقطه‌عطفی را در تاریخ تحصیل این کودکان در کشور رقم زد.

دهه ۱۳۹۰؛ فرمان رهبری و حق تحصیل کودکان مهاجر در ایران

انتشار فرمان رهبری برای تحصیل کودکان مهاجر افغانستانی در سال ۱۳۹۴، به‌نوعی پایان دادن به دوقطبی مذکور در حوزه سیاستگذاری تحصیل کودکان مهاجر شد و البته این تقابل در لایه‌های اجرایی کماکان باقی است. با مقایسه آمار تعداد دانش‌آموزان افغانستانی در مدارس ایرانی، مشاهده می‌شود که فرمان رهبری در سال ۱۳۹۴ فقط به افزایش ۷ درصدی ثبت‌نام دانش‌آموزان افغانستانی در مدارس ایران منجر شد (از حدود ۳۶۱ هزار دانش‌آموز غیرایرانی در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ تا پیش از انتشار فرمان رهبری، به حدود ۳۸۷ هزار دانش‌آموز غیرایرانی در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵).^۳ البته پنج سال پس از صدور این فرمان، در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹، تعداد این دانش‌آموزان به حدود ۵۰۳ هزار نفر در ۲۸ هزار مدرسه رسید که رشد ۴۰ درصدی نسبت به قبل از سال ۱۳۹۴ دارد و بیانگر رشد کاملاً تدریجی تعداد این دانش‌آموزان در مدارس ایران است.^۴ نکته حائز اهمیت در بررسی نمودار تعداد دانش‌آموزان غیرایرانی ثبت‌نام شده به‌صورت رسمی در مدارس ایرانی (تصویر ۱ از همین گزارش)، شیب ثابت افزایش تعداد این دانش‌آموزان است. شیبی که از سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۵ تا به امروز با آهنگی ثابت ادامه یافته است. به‌طور کلی این فرمان سه اثر عمده بر وضعیت تحصیلی کودکان اتباع به‌همراه داشته است:

• رایگان شدن حضور دانش‌آموزان مهاجر در مدارس دولتی ایرانی

به‌نظر می‌رسد با توجه به وضعیت آمار و ارقام و بخشنامه‌های قبل و بعد از سال ۱۳۹۴، فرمان رهبری بیش از آنکه به قانونی کردن حضور دانش‌آموزان افغانستانی در مدارس مربوط باشد، به رایگان شدن حضور آنان در مدارس مرتبط است. آیین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی مصوب ۱۳۹۵/۰۲/۰۱ با اعلام ثبت‌نام کودکان اتباع مانند کودکان ایرانی به این مهم اشاره دارد.^۵

هزینه تحصیل ۳۳۰ هزار دانش‌آموز مهاجر در آن مقطع بالغ بر ۵۰۰ میلیارد تومان بوده که فقط ۱۰ میلیارد تومان از این مبلغ را کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد به ایران پرداخته است.^۶ براساس ماده (۲) آیین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی، مصوب ۱۳۹۵/۰۲/۰۱ در هیئت وزیران، تا پیش

۱. آرش نصر اصفهانی، همان.

۲. ر. صادقی، همان.

۳. پیشین.

۴. انجمن دیاران، تحصیل کودکان مهاجر در رویداد چهارسوق. بازیابی در اسفند ۱۳۹۹.

۵. ماده (۲) آیین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی مصوب ۱۳۹۵/۰۲/۰۱ در هیئت وزیران.

۶. مطرح شده در جلسه کارشناسی با آقای شاهین نوش‌آبادی، معاون سابق امور بین‌الملل و مدارس خارج از کشور وزارت آموزش و پرورش، ۲۰ مردادماه ۱۳۹۹.

از فرمان، تحصیل دانش‌آموزان افغانستانی در مدارس دولتی ایران با پرداخت شهریه به مدارس میسر بوده است.^۱ همین مبلغ نیز برای قشر محروم مهاجران افغانی (مخصوصاً خانواده‌های پُرجمعیت با چند دانش‌آموز) به‌عنوان سدی برای حضور در مدارس تلقی می‌شد. این فرمان به‌نوعی دلگرمی برای این خانواده‌های مهاجر ایجاد کرد. با وجود این در عمل، آموزش و پرورش با تغییر بخشنامه‌های قدیمی که حضور دانش‌آموزان مهاجر را با پرداخت شهریه مجاز می‌دانست،^۲ عملاً اخذ شهریه و سایر وجوه را به‌طور رسمی ممنوع کرد، اما این امر در برخی مدارس به‌طور غیررسمی از سوی مدیران مدارس انجام می‌شود.

• امکان تحصیل کودکان مهاجر غیرقانونی و بدون مدرک

پیامد مهم دیگر این فرمان، عمومی شدن مسئله تحصیل مهاجران بود که سال‌ها نادیده گرفته شده بود. پس از این، تحصیل کودکان مهاجر غیرقانونی که پیش از آن امکان ورود به مدارس دولتی را نداشتند، مورد توجه قرار گرفت و شرایط حضور آنان در مدارس دولتی تسهیل شد. حضور دانش‌آموزان مهاجر در مدارس دولتی که از یک‌سو به تثبیت اقامت آنان منجر شده و از سوی دیگر مدرک معتبر آموزش و پرورش ایران از ارزش قابل توجهی برای آنها برخوردار است و همچنین هزینه مدارس رسمی در مواردی که خلاف آیین‌نامه‌های جدید عمل می‌شود، باز هم از مدارس خودگردان ارزان‌تر است و این موارد برای خانواده‌های مهاجر ارزش زیادی دارد.

• تعیین تکلیف مدارس خودگردان

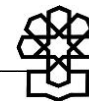
براساس نکات طرح شده در جلسات کارشناسی مرکز، این مدارس سال‌ها بدون مجوز و خارج از دایره استحقاقی آموزش و پرورش فعالیت می‌کردند. در مدت زمان کوتاهی در تابستان ۱۳۹۴، فرایند ثبت و قانونی شدن تعدادی از این مدارس در شهرهای مختلف ایران انجام شد. ازجمله پیامدهای قانونی شدن مدارس خودگردان، تعلق گرفتن کتاب درسی به دانش‌آموزان این مدارس بود که سال‌های طولانی از معضلات کودکان مهاجر در تحصیل محسوب می‌شد. همچنین بخشی از فرایند ادغام اجتماعی نیز در دستور کار این مدارس گنجانده شد.

تحصیل کودکان مهاجر از دریچه آمار و ارقام

در سال تحصیلی ۱۳۷۱-۱۳۷۰ تعداد دانش‌آموزان اتباع خارجی ثبت‌نام شده در مدارس ایران حدود ۱۲۱ هزار دانش‌آموز بود. در سال تحصیلی ۱۳۸۴-۱۳۸۳، به‌دلیل ممنوعیت‌های وضع شده توسط نیروی

۱. ماده (۲) آیین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی مصوب ۱۱ فروردین‌ماه ۱۳۸۳ مصوب وزیر عضو شورای هماهنگی اجرایی اتباع بیگانه که تا سال ۱۳۹۵ ملاک اجرا بوده بیان می‌داشت که: «به‌منظور تأدیه بارانه‌های دولت در مورد تحصیل دانش‌آموزان اتباع خارجی، وزارت آموزش و پرورش مجاز است به هنگام ثبت‌نام دانش‌آموزان دارنده مدارک اقامتی معتبر یادشده برحسب وضعیت مالی ولی دانش‌آموز طبق سرانه دانش‌آموزی تمام یا بخشی از هزینه‌های ثبت‌نام را با تصویب شورای آموزش و پرورش استان دریافت و به حساب درآمد عمومی واریز نماید».

۲. آیین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی وزارت کشور شماره ۴۲۳ ت ۲۹۹۸۲ هـ تاریخ ۱۳۸۳/۰۱/۱۱.



انتظامی و وزارت کشور در راستای اجبار مهاجران به خروج از کشور، تعداد دانش‌آموزان مهاجر در مدارس ایران به کمترین حد خود در ۳۰ سال اخیر (حدود ۸۴ هزار دانش‌آموز) رسید. اما پس از سال ۱۳۸۵ و تغییر سیاست ایران نسبت به مهاجران مقیم در ایران و کسانی که سابقه حضورشان در کشور به بیش از ۱۰ سال می‌رسید، روند ثبت‌نام دانش‌آموزان مهاجر در مدارس ایران همواره افزایشی بوده است؛ به‌گونه‌ای که در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ تعداد دانش‌آموزان مهاجر ثبت‌نام شده در مدارس ایرانی به رقم ۵۰۳ هزار نفر رسید.^۱

در مورد افزایش تعداد دانش‌آموزان افغانستانی در مدارس ایران بعد از فرمان رهبری تحلیل‌های متنوعی را می‌توان ارائه کرد. در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ و پیش از اجرایی شدن فرمان رهبری توسط دولت وقت تعداد دانش‌آموزان اتباع خارجی در مدارس ایران بالغ بر ۳۶۱ هزار نفر بود. در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ بعد از اجرایی شدن فرمان رهبری این رقم به حدود ۳۸۶ هزار نفر رسید. با مشاهده نمودار تعداد دانش‌آموزان اتباع خارجی در مدارس ایرانی مشخص است که تعداد این دانش‌آموزان بعد از سال ۱۳۸۵-۱۳۸۴ با یک شیب ثابت رو به افزایش بوده است و بعد از فرمان رهبری گرچه تعداد دانش‌آموزان ثبت‌نامی افزایش پیدا کرده، اما شیب ثبت‌نام کودکان مهاجر افزایش نداشته است. برخی افزایش ثبت‌نام‌ها بعد از فرمان رهبری را به افزایش مهاجرت‌ها نسبت می‌دهند. اما بررسی میدانی نشانگر آن است که یکی از دلایل اصلی این امر افزایش دسترسی به تحصیل برای کودکان مهاجر است. دسترسی‌پذیری تحصیل کودکان مهاجر نیز طی دهه‌های اخیر همواره روندی افزایشی داشته است. اگر فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ بررسی شود، ملاحظه خواهد شد که در سال ۱۳۷۵، تنها ۴۹ درصد از کودکان زیر ۱۸ سال مهاجر در ایران در مدارس ایران مشغول به تحصیل بودند. درحالی‌که در سال ۱۳۹۵، این نسبت به حدود ۶۹ درصد رسید.^۲ بنابر گفته‌های رئیس مرکز امور بین‌الملل و مدارس خارج از کشور وزارت آموزش و پرورش این نسبت در سال ۱۳۹۸-۱۳۹۷ افزایش پیدا کرده و ۸۰ درصد واجدان شرایط توانسته‌اند در مدارس ثبت‌نام کنند.^۳

۱. رسول. صادقی، همان.

۲. همان.

۳. وزارت آموزش و پرورش. هزینه ۱۰۰۰ میلیارد تومانی آموزش اتباع خارجی، بازیابی از سایت وزارت آموزش و پرورش، ۲۳ آذرماه ۱۳۹۷.

نمودار ۱. تعداد دانش‌آموزان مشغول به تحصیل اتباع خارجی در مدارس ایرانی
در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۹



به‌طور کلی سطح باسوادی در میان مهاجران طی چند دهه اخیر به‌طرز معناداری افزایش پیدا کرده است. فقط حدود ۱۰ درصد از نسل اول مهاجران که در سال‌های ابتدایی دهه ۶۰ وارد ایران شدند، پیش از ورود، باسواد بودند. این شاخص در حال حاضر به ۶۴ درصد در میان کل مهاجران رسیده است. در ابتدای دهه ۹۰ میزان باسوادی در میان مهاجران حدود ۵۲ درصد بود. اما در سال پایانی دهه ۹۰ این میزان به ۶۴ درصد رسیده است. میزان باسوادی در نسل‌های دوم و سوم مهاجران بسیار بالاتر است. ۷۶ درصد از جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله افغانستانی در ایران سواد خواندن و نوشتن دارند. میزان باسوادی مهاجران افغانستانی ساکن در ایران (که ۹۵ درصد از مهاجران ساکن ایران را تشکیل می‌دهند) از تعداد افراد باسواد در خود کشور افغانستان بیشتر است. به‌گونه‌ای که نرخ باسوادی نسل دوم مهاجران افغانستانی در ایران به نرخ باسوادی ایرانیان بسیار نزدیک‌تر است.^۲

مطابق با آخرین آماری که «میترا تیموری»، معاون امور بین‌الملل معاونت بین‌الملل و مدارس خارج از کشور وزارت آموزش و پرورش در اسفندماه سال ۱۳۹۹ ارائه داده است، تعداد دانش‌آموزان اتباع خارجی ثبت‌نام شده در مدارس ایران در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ برابر با ۴۹۷,۶۲۴ دانش‌آموز بوده است. ۴۷۲,۵۱۲ نفر از دانش‌آموزان افغانستانی، ۷۰,۲۶ نفر عراقی و ۲,۹۰۳ نفر پاکستانی هستند. دانش‌آموزان افغانستانی بیش از ۹۵ درصد دانش‌آموزان مشغول به تحصیل غیرایرانی را تشکیل می‌دهند. ۲,۶۷۲

۱. رسول. صادقی، همان.

۲. همان.



دانش‌آموز نیز در مدارس استثنایی با خدمات خاص تحت آموزش هستند. در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ از بین کل دانش‌آموزان ثبت‌نامی غیرایرانی، ۱۶۱۰ نفر در رده پیش‌دبستانی، ۳۳۵۹۶۳ نفر در دور اول و دوم ابتدایی، ۱۰۴۴۵۸ نفر در دور اول متوسطه و ۵۵۵۹۰ دانش‌آموز در دور دوم متوسطه مشغول به تحصیل هستند. از کل دانش‌آموزان مهاجر مشغول به تحصیل در مدارس کشور، ۲۵۹۹۳۱ نفر پسر و ۲۳۷۶۹۳ نفر دختر هستند. یک‌سوم دانش‌آموزان ثبت‌نام شده بدون مدرک و غیرقانونی هستند. ۱۴۱۲۴۴ نفر با برگه حمایت تحصیلی در مدارس ثبت‌نام شده‌اند. این افراد فاقد مدرک اقامت قانونی هستند. در ۱۷ استان کشور که حضور مهاجران افغانستانی مجاز است، این دانش‌آموزان در کنار دانش‌آموزان ایرانی مشغول به تحصیل هستند. استان تهران بیشترین دانش‌آموز را با ۱۶۱۷۸۰ نفر دارد. خراسان رضوی، فارس، قم، البرز، کرمان، سیستان و بلوچستان و یزد، استان‌هایی هستند که به‌ترتیب میزبان بیشترین تعداد دانش‌آموزان مهاجر هستند.^۱

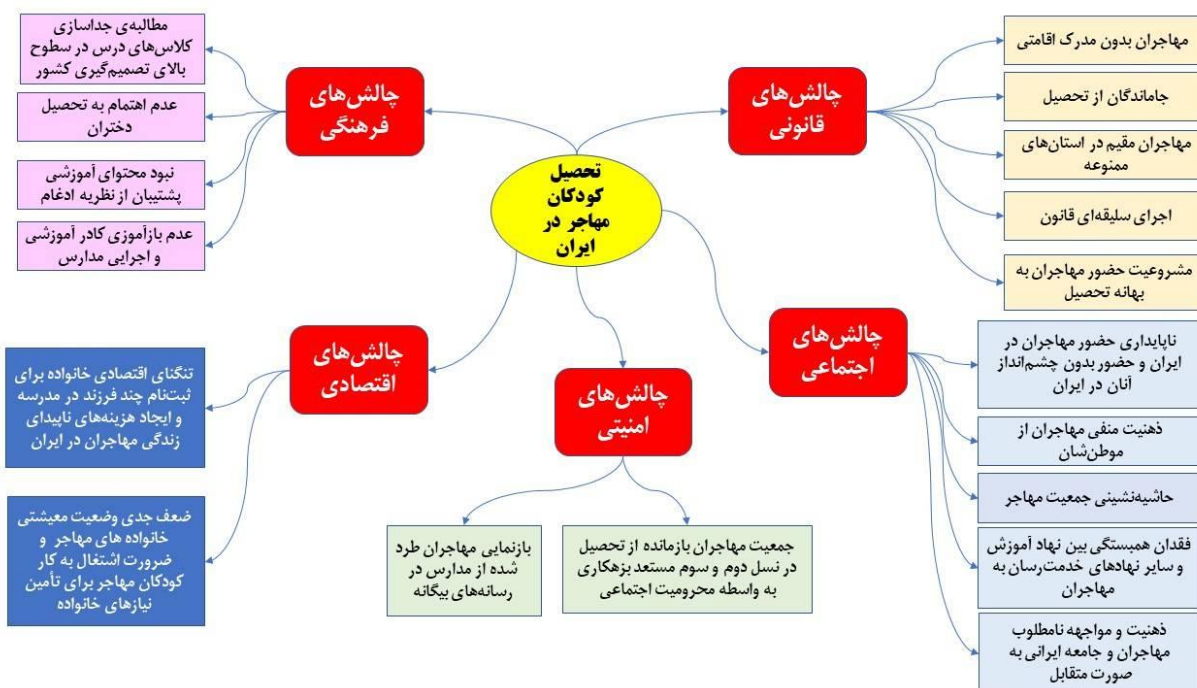
چالش‌های تحصیل کودکان مهاجر در ایران

جهت احصای چالش‌های تحصیل کودکان مهاجر با افراد درگیر با مسئله در سطوح مختلف مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته‌ای صورت گرفته است. افراد شرکت‌کننده در مصاحبه‌ها به شرح ذیل هستند:

- مدیران مدارس دولتی که در مدارس تحت مدیریت خود، دانش‌آموز مهاجر داشتند،
 - معلمان مقاطع ابتدایی و متوسطه (افراد دارای ارتباط مستقیم با دانش‌آموزان مهاجر)،
 - مدیران مدارس خودگردان،
 - مدیران وزارت آموزش و پرورش در معاونت بین‌الملل این وزارتخانه،
 - مدیران خیریه‌های مشغول به ارائه خدمات به کودکان مهاجر در ایران،
 - خبرنگاران رسانه‌ای که به‌صورت تخصصی به موضوع تحصیل کودکان مهاجر در ایران پرداخته‌اند.
- در ادامه مجموعه چالش‌های احصا شده طی این مصاحبه‌های عمیق و با روش تحلیل محتوا در لایه‌های قانونی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. انجمن دیاران، تحصیل کودکان مهاجر در رویداد چهارسوق، بازیابی در اسفندماه ۱۳۹۹، بازیابی از سایت دیاران.

نمودار ۲. چالش‌های تحصیل کودکان مهاجر در ایران

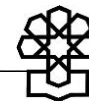


چالش‌های قانونی و اجرایی

در همه مواردی که در زیر اشاره می‌شود، برای مواجهه با مسائل واقعی، خلأهای قانونی وجود دارد. به‌طور مثال، باید در نظر گرفت که درخصوص صدور اجازه مودی و استثنای تحصیل مهاجران در «استان‌های مهاجر ممنوع» قوانینی وجود ندارد. درخصوص پوشش مهاجران جامانده از تحصیل، نهضت سوادآموزی دستورالعمل مشخصی تدوین نشده است. برای تحصیل مهاجران غیرقانونی روال قانونی مشخص و پایداری وجود ندارد. در خود مدارس، پروتکل و دستورالعمل مشخصی برای مواجهه با دانش‌آموزان مهاجر وجود ندارد. جداسازی یا ادغام دانش‌آموزان ایرانی و مهاجر در مدرسه، مطابق قانون و آیین‌نامه مدونی صورت نمی‌گیرد. بخشی از این قوانین و مقررات به درون وزارت آموزش و پرورش مربوط می‌شود. اما عمده سردرگمی قانونی تحصیل مهاجران در ایران مربوط به تصمیم‌گیری‌های موقت و مقررات‌گذاری‌های فصلی وزارت کشور و دستگاه‌های امنیتی و انتظامی است.

– مهاجران بدون مدارک اقامتی

براساس آخرین شیوه‌نامه ثبت‌نام دانش‌آموزان اتباع خارجی در مدارس آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ دانش‌آموزانی که مدارک اقامتی زیر را دارند، اتباع خارجی با مدرک



مجاز به‌شمار می‌روند و با مراجعه به مدارس حق ثبت‌نام در مدارس دولتی را دارند.

دانش‌آموزان اتباع خارجی دارای مدرک مجاز:

۱. گذرنامه دارای روادید معتبر،

۲. گذرنامه خانواری (دارای روادید تا ۱۴۰۰/۹/۳۰)،

۳. دفترچه پناهندگی،

۴. دفترچه اقامت،

۵. کارت‌های آمایش ۱۵ یا ۱۶،

۶. کارت‌های هویت ۱۴ یا ۱۵،

۷. برگه تردد دارای اعتبار.

براساس مطالعات میدانی صورت گرفته دانش‌آموزان بدون مدرک برای ثبت‌نام در مدارس ابتدا باید به ادارات امور اتباع و مهاجران خارجی و دفاتر کفالت مراجعه و مدرکی به نام «معرفی‌نامه حمایت تحصیلی» مشهور به برگ آبی را دریافت کنند و پس از دریافت این مدرک هویتی به مدارس مراجعه کنند. در بخشنامه یادشده گروه‌های زیر به‌عنوان دانش‌آموزان بدون مدرک برشمرده شده‌اند:

۱. دانش‌آموزانی که در سال‌های گذشته برگه حمایت تحصیلی دریافت کرده و در مدارس آموزش و پرورش ثبت‌نام کرده و مشغول به تحصیل بودند.

۲. دانش‌آموزانی که در سال جاری یا گذشته یکی از اعضای خانواده آنها برگه حمایت تحصیلی را دریافت کرده و در مدارس آموزش و پرورش مشغول به تحصیل باشند.

۳. فرزندان کلاس اولی خانوارهایی که یکی از والدین آنها در طرح سرشماری غیرمجازان سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ شرکت کرده و اطلاعات آنها در سامانه موجود باشد.

۴. دانش‌آموزان دارای گذرنامه خانوادگی که بنا به عللی امکان تمديد روادید را نداشته‌اند.

۵. فرزندان مادر ایرانی که هنوز موفق به دریافت تابعیت قانونی نشده‌اند، ولی مدارک لازم برای ازدواج والدین (عقدنامه) و گواهی ولادت فرزند را در اختیار دارند. ثبت‌نام این گروه از فرزندان مادر ایرانی در سامانه سیام بعد از ورود اطلاعات و دریافت کد اختصاصی در ادارات کل امور مهاجران و اتباع خارجی توسط دفاتر خدمات بلامانع است.

۶. آن دسته از فرزندان مادر ایرانی که تاکنون در وبسایت وزارت کشور مراتب ازدواج با تبعه خارجی را ثبت نکرده‌اند توسط ادارات کل اتباع و مهاجران خارجی به وبسایت وزارت کشور راهنمایی می‌شوند تا پس از ثبت‌نام در اداره مذکور نسبت به تشکیل پرونده و شناسایی در سامانه سیام اقدام و متعاقب آن برگه حمایت تحصیلی صادر شود.

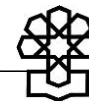
۷. دانش‌آموزانی که والدین آنها دارای مدارک معتبر اقامتی هستند، ولی به دلیل تفاوت نوع مدرک والدین موفق به دریافت مدرک برای فرزندان خود نشده‌اند و در طرح سرشماری غیرمجازان سال ۱۳۹۵

و ۱۳۹۶ ثبت‌نام کرده‌اند.

۸. دانش‌آموزانی که فقط یکی از والدین آنها دارای مدرک معتبر اقامتی بوده و فرزند هم گواهی تولد داشته، اما در طرح سرشماری غیرمجازان سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ ثبت‌نام نکرده‌اند. ادارات کل اتباع و امور مهاجران خارجی نسبت به ثبت‌نام آنها در سامانه سیام و دریافت کد اختصاصی اقدام و متقاضی جهت ادامه فرایند و صدور برگه حمایت تحصیلی به دفاتر خدمات هدایت خواهند شد.

پس از انتشار فرمان رهبری در سال ۱۳۹۴، تا سال ۱۳۹۶ همه دانش‌آموزان بدون مدرک بدون هیچ شرطی در مدارس ثبت‌نام می‌شدند و مدرک «برگ حمایت تحصیلی» به آنها و خانواده‌های‌شان به راحتی اعطا می‌شد. برگ حمایت تحصیلی به خانواده‌های این کودکان اجازه می‌داد تا زمان تحصیل فرزندشان در مدارس ایرانی در کشور ایران سکونت داشته باشند. صدور برگه حمایت تحصیلی پس از سال ۱۳۹۶ با کندی مواجه شد و پس از آن همه‌ساله بر اثر فشارهای رسانه‌ای و گروه‌های مردمی، تعداد محدودی از این برگه‌ها مجدداً صادر شده است. در روند کنونی، پذیرش دانش‌آموزان مهاجر در مدارس دولتی تنها با ارائه مدارک اقامتی و شبیه آن انجام می‌شود. گروهی از مهاجران تازه‌وارد یا مهاجران غیرقانونی که فاقد اوراق هویتی هستند و در سالیان قبل نیز موفق به دریافت برگه حمایت تحصیلی نشده‌اند یا فرزندان‌شان پس از سال ۱۳۹۶ به سن هفت سالگی رسیده‌اند، از ورود به مدارس دولتی بازمی‌مانند و راهی مدارس خودگردان یا غیررسمی می‌شوند یا به کلی از تحصیل محروم می‌شوند.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، فرمان رهبری تأثیر زیادی در حل مشکل این گروه از مهاجران داشت. تا آنجا که در سال‌های بعد از ۱۳۹۴، ثبت‌نام کودکان مهاجر در مدارس تنها مستلزم ارائه هویت در حد نام، نام خانوادگی و نام پدر بود که اثبات این نسبت فرزندى در صورت نبودن مدارک هویتی، با استشهاده محلی هم امکان‌پذیر می‌شد. اما برخی سوءاستفاده‌های انجام شده از آیین‌نامه‌های جدید با هدف قانونی کردن اقامت اتباع خارجی غیرقانونی، مسئولان امر را به سخت‌گیری‌های بیش از حد واداشته است؛ به‌طوری‌که در سال ۱۳۹۷، ابلاغیه جدید اداره کل امور اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور موجب شد موانع قانونی بسیاری برای تحصیل «تازه‌مهاجران غیرقانونی» به‌وجود آید و فرزندان آنان نتوانند در مدارس ثبت‌نام کنند. در این ابلاغیه فقط خانواده‌های اتباع افغانستانی «دارای برگ حمایت تحصیلی از سال گذشته» یا «دارای مدارک نامعتبر صادره از ایران» مشمولان طرح ثبت‌نام در مدرسه می‌شوند. اگرچه دامنه این مدارک نامعتبر در ظاهر گسترده است، اما در عمل نه تنها گروه‌ای از افراد فاقد مدارک معتبر نمی‌گشاید که درواقع، غالب آنها را از تحصیل فرزندان‌شان بازداشته است، چراکه بیشتر آنان حتی همین مدارک را هم ندارند (نظیر کارنامه صادره از محل تحصیل در سال تحصیلی گذشته، مدارک ثبت‌نام در طرح سرشماری اتباع افغانستانی غیرقانونی سال گذشته، گذرنامه دارای روادید باطله فرد مشمول، برگ‌های ویژه حمایت تحصیلی فاقد اعتبار مربوط به سنوات گذشته، کارت آمایش فاقد اعتبار



و گواهی معلولیت سازمان بهزیستی برای اتباع خارجی دارای معلولیت‌های هفتگانه و ...).

در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بخشنامه‌های ثبت‌نام کودکان مهاجر افغانستانی در مدارس ایران بار دیگر اصلاح شد و به رویه قبل از سال ۱۳۹۷ بازگشت. اما به‌رغم این اصلاح با توجه به محدودیت زمانی کوتاهی که برای مراجعه خانواده‌های بدون مدرک به دفاتر کفالت تعیین شده بود و شلوغی بیش از حد این دفاتر عملاً باز هم تعداد زیادی به‌علت نداشتن مدرک اقامتی نتوانستند در مدارس ثبت‌نام کنند. افزون بر این، دامنه مشکلات نداشتن مدرک اقامتی قانونی به تحصیل کودکان نیز کشیده می‌شود. اخراج اعضای از خانواده‌های مهاجر دارای کودک محصل یا حتی اخراج خود کودکان مهاجر بدون مدرک در عمل اتفاق می‌افتد.

– مشروعیت حضور مهاجران به بهانه تحصیل (تحصیل کودکان مهاجر به‌مثابه مدرک اقامت)

پس از فرمان رهبری و تسریع و تسهیل حضور دانش‌آموزان مهاجر در مدارس دولتی، فرایند احراز سکونت و اقامت مهاجران در ایران به‌گونه‌ای تغییر یافت که مدارک تحصیل فرزندان خانواده‌های مهاجر به مجوز اقامت خانواده‌ها در ایران تبدیل شد. این مسئله که ریشه در خلأهای قانونی و عدم وحدت رویه در سازمان‌های ذی‌ربط دارد می‌تواند در میان‌مدت، سیاست‌های مدیریت مهاجران را در ایران با چالش روبه‌رو کند. ازسوی دیگر، سخت‌گیری‌های سال‌های اخیر نیز چاره‌ساز نبوده و تنها به منفی شدن ذهنیت مهاجران از حکومت ایران انجامیده است؛ دولت ایران که طبق فرمان رهبری باید شرایط تحصیل رایگان تمامی مهاجران را فراهم می‌کرد، در عمل قوانین پیچیده‌ای برای تازه‌مهاجران وضع می‌کند. ناکارآمدی اجرایی در سامان‌دهی وضعیت ورود و اقامت مهاجران غیرایرانی، عملاً باعث شده تا در مورد مهاجرانی که در سالیان اخیر تعیین تکلیف نشده‌اند، حق تحصیل کودکان مهاجر به بهانه اقامت تبدیل شود.

– جاماندگان از تحصیل

مهاجرانی که یا پیش از مهاجرت یا در سال‌های اقامت در ایران از آموزش به هر دلیلی دور مانده‌اند و اکنون مشمول قانون حضور در مدارس دولتی هستند، به‌علت «کبر سن» امکان حضور در کلاس‌های پایین‌تر را ندارند و تحصیل آنها در مدارس متداول روزانه میسر نیست. نهضت سوادآموزی هم با وجود محدودیت منابع و آشفتگی نیروی انسانی در یک دهه اخیر و همچنین افزایش جمعیت بازماندگان از تحصیل در ایران، امکان پوشش دادن این دانش‌آموزان را ندارد. علاوه بر این فعالیت‌های نهضت سوادآموزی، پراکندگی و پوشش جغرافیایی کاملی ندارد. هرچند مدارس خودگردان معمولاً پذیرای چنین دانش‌آموزانی هستند، اما در دسترس نبودن این‌گونه مدارس در همه مناطق مهاجرنشین بر میزان محرومیت از تحصیل این گروه از کودکان و نوجوانان لازم‌التعلیم می‌افزاید. جاماندگان از تحصیل معمولاً از فقیرترین طبقات مهاجر هستند و امکان پرداخت شهریه مدارس خودگردان را هم ندارند.

– مهاجران مقیم در استان‌های ممنوعه

عدم تطابق مدارک اقامتی مهاجران با استان محل سکونت، یک مسئله جدی برای تحصیل کودکان مهاجر است. از شرایط الزامی ثبت‌نام دانش‌آموزان مهاجر، انطباق اسناد اقامتی آنان با شهر محل تحصیل است. سخت‌گیری‌هایی که در مراحل صدور مدارک اقامت برای مهاجران انجام می‌شود، اصلاح و تغییر مدارک اقامتی را با مشکلاتی مواجه کرده است. لذا فرزندان بسیاری از خانواده‌های مهاجر که به دلایل معیشتی یا اجتماعی مجبور به جابه‌جایی در ایران هستند، بنابر ضوابط موجود نمی‌توانند در مدارس دولتی ثبت‌نام کنند. همچنین با وجود اقامت تعداد زیادی از مهاجران در استان‌های مهاجر ممنوع به خصوص استان‌های شمالی، هیچ مدرسه‌ای امکان پذیرش دانش‌آموزان مهاجر طبق روال قانونی را ندارد. ثبت‌نام دانش‌آموزان مهاجر در مدارس دولتی این استان‌ها معمولاً با واسطه‌گری اهالی محل یا دلسوزی برخی مسئولان آموزش و پرورش انجام می‌شود و هیچ روال مشخصی برای حل این مشکل وجود ندارد.

– اجرای سلیقه‌ای قانون

قوانین موجود در بسیاری موارد، سلیقه‌ای و غیرشفاف اعمال می‌شوند. به‌طور مثال، صدور اجازه ثبت‌نام برای مهاجران در غیر از محل ثبت شده در اوراق هویتی، با اعمال سلیقه کارمندان و کارشناسان آموزش و پرورش روبه‌رو است. هزینه دریافتی از مهاجران هم مطابق سلیقه و نظر مسئولان رده‌پایین، غیرشفاف و فسادزا در حال گردش است. براساس بررسی‌های میدانی صورت گرفته، موارد متعددی از برخورد خلاف آیین‌نامه در مدارس با خانواده‌های مهاجر رخ داده است.

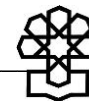
مطلوبیت بالای تحصیل فرزندان مهاجر در مدارس دولتی ایران برای خانواده‌ها در کنار کم‌سودای و بی‌اطلاعی خانواده‌های مهاجر از قوانین ناپایدار و ترس و دلهره دائمی آنان از برخورد پلیس و رد مرز شدن موجب می‌شود که این افراد مورد سوءاستفاده افراد سودجو قرار گیرند و مبالغی بسیار بیشتر از حقوق قانونی از آنان مطالبه شود. دریافت وجوه غیرقانونی برای تحویل کتاب درسی، کارنامه یا امکانات دیگر از جمله تخلفات شایع در این زمینه است.

چالش‌های فرهنگی

در مسئله مهاجرت به دلیل تفاوت‌های فرهنگی دو کشور مبدأ و مقصد، یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی مهاجران، چالش‌های فرهنگی است که عمدتاً به نظامات ارزشی و هنجاری هریک از جوامع بازمی‌گردد. در ادامه برخی از مهم‌ترین چالش‌های فرهنگی پیش روی کودکان اتباع ارائه شده است.

– عدم اهتمام به تحصیل دختران

عدم اهتمام به تحصیل دختران و حتی ممانعت از تحصیل آنان که در میان گروه‌هایی از مهاجران رواج دارد و از جمله موانع تحصیل محسوب می‌شود. مهاجران افغانستانی تازه‌وارد به ایران عمدتاً از مناطق



کم‌برخوردار و روستایی کشور افغانستان هستند که دیدگاه‌های سنتی در مورد تحصیل دختران در آنان ریشه‌دارتر است. هرچند در نسل دوم و سوم مهاجران کمتر چنین مواردی مشاهده می‌شود.

مطالبه جداسازی کلاس‌های درس در سطوح بالای تصمیم‌گیری کشور

مشخص نبودن سیاست آموزش و پرورش در ادغام یا جداسازی کلاس‌های درس مهاجران در مدارس دولتی همواره امری چالش‌برانگیز بوده است،^۱ اما براساس تجربه زیسته فعالان مدنی این حوزه و همچنین مهاجران، ذهنیت‌های مذهبی، فرهنگی عموم مردم، خانواده‌ها و حتی متولیان مدارس در ایران گاهی برخلاف رویه ادغام عمل می‌کند. این ابهام و بلاتکلیفی ریشه فرهنگی دارد؛ به‌گونه‌ای که جداسازی دانش‌آموزان اتباع بیگانه از دانش‌آموزان ایرانی در مدارس کشور به‌عنوان مطالبه‌ای در سطح مجلس طرح شده و حفظ احساس در اقلیت قرار داشتن توسط اتباع به‌عنوان یک مسئله جدی در کمیسیون آموزش مطرح بوده است.^۲ بی‌تردید مطالبات مردمی مبنای طرح چنین مواردی از سوی نمایندگان مجلس است و نگرانی قابل تأمل مردم از مسائل بهداشتی، اخلاقی و مذهبی مهاجران، به ایجاد فشار برای جداسازی آنان در محل تحصیل منجر می‌شود.

سردرگمی موجود حتی در سطح آموزش و پرورش به‌عنوان متولی امر قابل مشاهده است. به‌نحوی که علی‌رغم درخواست وزیر آموزش و پرورش مبنی بر عدم حرکت به‌سمت جداسازی،^۳ قائم‌مقام وقت اعلام می‌کند که با وجود ادغام اجتماعی به‌عنوان بهترین راهکار برای مواجهه با مسئله مهاجران، به‌دلیل موقت فرض شدن شرایط افغانستان، سیاست هرگز ادغام کامل دانش‌آموزان افغانستانی در جامعه میزبان نبوده است.^۴ به‌نظر می‌رسد سردرگمی موجود در مورد ادغام یا جداسازی کلاس‌های درس دانش‌آموزان ایرانی و غیرایرانی باعث شده تا تبعات هر دو حالت گریبانگیر مدیریت مسئله در سطح کلان شود.

نبود محتوای آموزشی پشتیبان از نظریه ادغام

نظام آموزش و پرورش در حال حاضر درخصوص فرهنگ حوزه تمدنی ایران و نسبت فرهنگ ایران امروز با این حوزه تمدنی که محدوده‌ای از هندوستان، افغانستان، پاکستان و کشورهای آسیای میانه (تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و قزاقستان) و همچنین حوزه جغرافیایی قفقاز (آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) را شامل می‌شود، دارای برخی خلأهای محتوایی است و همچنین دوران طلایی اسلامی در این حوزه قابل پرداخت بیشتری است و از امکان تولید محتوای بسیار بالایی برخوردار است و کشورهای مانند عراق و ترکیه در این حوزه روایت‌های مشترک فراوانی با ایران دارند. باید توجه داشت به‌دلیل مهاجرت امروز اتباع از این محدوده تمدنی به داخل کشور، عملاً نقصان و ضعف در این حوزه،

۱. در کشورهای مهاجرپذیر دنیا، اصل بر ادغام مهاجران در جامعه میزبان است.
Heckmann, Friedrich. (2008). Education and Migration-strategies for Integrating Migrant Children in European Schools and Societies: A Synthesis of Research Findings for Policy-makers. Katharinenstraße: University of Bamberg.

۲. خبرگزاری مجلس شورای اسلامی (مهرماه ۱۳۹۷)، تعداد دانش‌آموزان اتباع در مدارس نباید بیشتر از ایرانی‌ها باشد.

۳. خبرگزاری برنا (خردادماه ۱۳۹۷)، سرنوشت جداسازی دانش‌آموزان افغان از ایرانی‌ها از زبان وزیر.

۴. شهرآرا (شهریورماه ۱۳۹۹)، دانش‌آموزان خارجی برای ایران ۲۰۰۰ میلیارد تومان هزینه دارند.

مسیر آشناسازی این کودکان با ارتباطات فرهنگی، تاریخی و تمدنی کشور مبدأ با ایران را دچار اختلال کرده است. علاوه بر این، جای محتوای آموزشی درباره شیوه تعامل و برقراری ارتباط با مهاجران در کتاب‌های درسی ایران خالی است. نیم میلیون کودک و نوجوان مهاجر در مدارس دولتی ایران تحصیل می‌کنند و مطابق آمارها، حدود یک‌چهارم کل مدارس ایران پذیرای بخشی از دانش‌آموزان غیرایرانی هستند.^۱ با این حال هیچ سرفصل آموزشی در کتاب‌های مطالعات اجتماعی، مهارت‌های زندگی یا ... درباره این موضوع وجود ندارد. لذا دانش‌آموزان ایرانی شیوه رفتار صحیح با دانش‌آموزان مهاجر را از ابتدا نمی‌آموزند.

طبیعتاً این آموزش‌ها دوسویه دارد: یک سمت دانش‌آموزان سرزمین میزبان که باید ظرفیت فرهنگی خود را برای پذیرایی از مهاجران افزایش دهند و سمت دیگر دانش‌آموزان میهمان که باید شرایط ادغام در فرهنگ غالب را بشناسند و درک کنند. متأسفانه تاکنون فعالیتی در این راستا در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش انجام نشده است.

– عدم بازآموزی کادر آموزشی و اجرایی مدارس

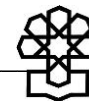
معلمان و کادر اجرایی و مدیریتی مدارس نیز آگاهی چندانی نسبت به طرز رفتار با دانش‌آموزان مهاجر ندارند و در دوره‌های دانش‌افزایی و ضمن خدمت معلمان نیز موضوع تحصیل مهاجران جایگاهی ندارد. اکثر حوادث و جنجال‌های پیش آمده در سال‌های گذشته در موضوع تحصیل مهاجران در مدارس ناشی از ضعف عملکرد یا اشتباه مدیریتی در برخورد با مهاجران بوده است.

هرچند در یک مقطع کوتاه در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵، مدیران و کادر ۶ هزار مدرسه پذیرنده اتباع به شکل محدود آموزش‌هایی را درباره آشنایی با تفاوت‌های مذهبی و فرهنگی مهاجران دیدند، اما ۱۹۰۰۰ مدرسه دیگر از این آموزش‌های کوتاه یک‌روزه جا ماندند. از آن زمان به بعد هم دوره‌های ضمن خدمت متناسب با نیاز گسترده کادر آموزشی و اجرایی مدارس برای مواجهه نظام‌مند و اصولی با مهاجران اجرا نشده است.

چالش‌های اقتصادی

مسائل اقتصادی و معیشتی خانواده‌های اتباع یکی از مهم‌ترین موانعی به‌شمار می‌رود که این کودکان را مجبور به ترک تحصیل و بعضاً ورود به بازار کار غیررسمی می‌کند. از یک‌سو، خانواده برای تحصیل کودکان متحمل هزینه‌های بیشتر می‌شود و از سوی دیگر، نیاز مبرم به نیروی کار برای گذران معیشت دارد. در ادامه اصلی‌ترین این چالش‌ها درخصوص تحصیل کودکان و نوجوانان اتباع ارائه شده است.

۱. همان‌طور که در قسمت‌های پیشین گفته شد، دانش‌آموزان غیرایرانی در ۲۸ هزار مدرسه کشور مشغول به تحصیل هستند. از سوی دیگر بنابر اعلام رئیس مرکز برنامه‌ریزی، نیروی انسانی و فناوری اطلاعات وزارت آموزش و پرورش تعداد کل مدارس برابر با ۱۰۷ هزار و ۱۷۱ مدرسه است که بر این اساس می‌توان گفت حدود یک‌چهارم مدارس کشور پذیرای دانش‌آموزان غیرایرانی هستند (<https://madyar.org/Article/20>)



– ضعف جدی وضعیت معیشتی خانواده‌های مهاجر و ضرورت اشتغال به کار کودکان مهاجر

برای تأمین نیازهای خانواده

عمده مهاجران با اشتغال به فعالیت‌های ساده کارگری امکان کسب درآمد بالا ندارند از این‌رو کودکان و نوجوانان مهاجر در بستر خانواده‌ای محروم و کم‌درآمد زندگی می‌کنند. تازه‌مهاجران افغانستانی هم عمدتاً از مناطق روستایی و محروم افغانستان به ایران آمده‌اند و وضعیت زندگی آنان در مقایسه با مهاجران نسل دوم و سوم به مراتب بدتر است. محرومیت آنان در دسترسی به نوشت‌افزار، وسایل آموزشی و کمک‌آموزشی و ابزارهای مورد نیاز آموزش مجازی، نمود بیشتری دارد.

عدم ثبت دقیق مهاجرت و سکونت این گروه در سامانه‌های دولتی، امکان پشتیبانی نهادهای عمومی خدمات‌رسان را ضعیف می‌کند و نهادهای خیریه مردمی و محلی تا حد زیادی بار رسیدگی به این قشر را به‌دوش می‌کشند.

ازجمله دلایل ترک تحصیل یا بازماندگی از تحصیل کودکان مهاجر، لزوم اشتغال آنان به کار برای امرار معاش خانواده است. براساس اظهارات وزیر کشور «۸۶ درصد کودکان کار خیابانی در ایران، افغانستانی هستند»^۱ در بسیاری موارد تمام آسیب‌های وارد به یک کودک کار، با شدت بیشتری در مورد کودکان کار مهاجر رخ می‌دهد.

– تنگنای اقتصادی خانواده برای ثبت‌نام چند فرزند در مدرسه و ایجاد هزینه‌های ناپیدای

زندگی مهاجران در ایران

در خانواده‌های پُرجمعیت مهاجران، تحصیل هم‌زمان دو یا چند فرزند به دلایلی ازجمله تأمین هزینه پرداختی به مدارس دولتی و هزینه‌های جانبی تحصیل (نوشت‌افزار و ...) با دشواری روبه‌رو است. در برخی مدارس خودگردان با همت افراد خیر، ثبت‌نام فرزند دوم یا سوم به بعد خانواده‌ها با تسهیلات ویژه‌ای انجام می‌شود. هرچند مدارس دولتی هم باید زمینه تحصیل رایگان این کودکان را فراهم کنند، اما عدم انسجام گروه‌های خیریه و کمک‌رسان به مهاجران، خلأهایی در این زمینه ایجاد کرده است.

در بسیاری از موارد هزینه تحصیل یک دانش‌آموز مهاجر از یک دانش‌آموز ایرانی در مدارس دولتی بیشتر است. آنان مجبورند گاه و بی‌گاه به بهانه‌های مختلف وجوهی را به مدرسه پرداخت کنند تا برخی نواقص اداری و ... نادیده گرفته شود. همچنین محرومیت مهاجران از برخی خدمات بانکی، حقوقی، ارتباطی و اجتماعی موجب می‌شود که برای دسترسی به یک سیم‌کارت یا حساب بانکی برای انجام کارهای روزمره متحمل هزینه‌های بیشتری شوند.

۱. خبرآنلاین (مهرماه ۱۴۰۰)، روایت وزیر کشور از دستور ویژه رهبر انقلاب درباره کودکان افغان.

چالش‌های اجتماعی

طی شدن فرایند ادغام اجتماعی مهاجران جهت تسهیل زیست در میان مردم کشوری دیگر دارای الزاماتی است که اولاً به تاریخچه روابط میان دو ملت بازمی‌گردد و ثانیاً به راهبردهایی که جامعه برای تحقق آن به کار می‌گیرد. مدرسه یکی از مهم‌ترین نهادهایی است که تسهیل‌کننده این مسیر است. این در حالی است که کودکان مهاجر عمدتاً به دلیل حاشیه‌نشینی، فقر و ناپایداری زیست اجتماعی در ایران بیش از ادغام اجتماعی، تجربه طرد اجتماعی را دارند. برخی از مهم‌ترین موانع ادغام در قالب چالش‌های اجتماعی ذکر شده است.

حاشیه‌نشینی جمعیت مهاجر

سکونت در حاشیه شهرها و محله‌های کم‌برخوردار شهری، دسترسی مهاجران به امکانات فرهنگی و آموزشی را سخت می‌کند. محدودیت مدارس در این مناطق از نظر امکانات، سرانه دانش‌آموز، شایستگی‌های معلمان و ... به محرومیت مضاعف مهاجران در تحصیل منجر می‌شود. همچنین آسیب‌های اجتماعی رایج در این محله‌ها از جمله اعتیاد، سرقت و فساد، آنان را بیشتر تهدید می‌کند.

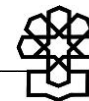
یکی از مهم‌ترین مناطق اقامت و تحصیل مهاجران افغانستانی در ایران، شهرستان‌های استان تهران است. اداره کل آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران بیشترین تعداد دانش‌آموزان مهاجر در کل کشور (۱۲۰ هزار نفر) را میزبانی می‌کند و از نظر سرانه و امکانات آموزشی از جمله محروم‌ترین مناطق تعلیم و تربیت ایران است.^۱ مطالعه دقیق مدارس این ناحیه، مجموعه کاملی از آسیب‌های وارده به کودکان و نوجوانان مهاجر به ایران را نشان می‌دهد.

ناپایداری حضور مهاجران در ایران و حضور بدون چشم‌انداز آنان در ایران

ورود و خروج مهاجران به ایران لزوماً با تقویم تحصیلی مدارس انطباق ندارد. مدارس نیز آمادگی ورود دانش‌آموزان در میانه سال تحصیلی را ندارند. بسیاری از مهاجرانی که ایران مقصد مهاجرت آنها محسوب نمی‌شود، بلکه فقط یک توقفگاه موقتی برای رفتن به اروپا و ... است، به امید فراهم شدن شرایط خروج از ایران، روزهای ناپایداری را سپری می‌کنند که ممکن است چندین سال به طول بینجامد. تحصیل فرزندان این مهاجران از پیچیده‌ترین مسائل آموزشی و پرورشی است. در این شرایط دلبسته کردن آنان به محیط آموزشی به عنوان شرط اولیه برقراری ارتباط تربیتی و آموزشی، به سختی محقق می‌شود.

انگیزه و رغبت تحصیل در دانش‌آموزان ارتباط مستقیم به امید آنها به آینده و چشم‌اندازشان در زندگی دارد. مهاجران افغانستانی حتی نسبت به زمان بازگشت به کشور خود یا زمان بهره‌مندی از تابعیت ایرانی هیچ‌گونه اطمینانی ندارند. از این رو فقدان انگیزه در تحصیل و به دنبال آن، افت تحصیلی، امری

۱. مطرح شده در جلسه کارشناسی با آقای شاهین نوش‌آبادی، معاون سابق امور بین‌الملل و مدارس خارج از کشور وزارت آموزش و پرورش، ۲۰ مردادماه ۱۳۹۹.



جدی و قابل توجه محسوب می‌شود.

دانش‌آموزان مهاجری که از موانع گوناگون قانونی، فرهنگی و اقتصادی عبور کرده‌اند، به محض ورود به مدارس با مشکلاتی مشابه مشکلات دانش‌آموزان طرد شده یا محروم روبه‌رو می‌شوند. اگرچه آموزگاران و مدیران مدارس مهاجران تمام تلاش خود را برای ادغام اجتماعی و مهارت‌آموزی آنها صورت می‌دهند، اما در نهایت نداشتن چشم‌انداز روشن از آینده، چالشی است که این دانش‌آموزان با آن روبه‌رو هستند.

– فقدان همبستگی بین نهاد آموزش و سایر نهادهای خدمت‌رسان به مهاجران

هماهنگی و همراهی نهادهای خدمت‌رسان دولتی و غیردولتی به مهاجران با آموزش و پرورش، نقش مهمی در توسعه پوشش و ارتقای کیفیت تحصیلی مهاجران دارد. خیریه‌ها می‌توانند از طریق مدارس، به‌طور دقیق‌تر کمک‌های خود را به کودکان و نوجوانان مهاجر ارائه کنند. بدین طریق، پایش سلامت جسمانی و روانی خانواده‌های مهاجران نیز از پایداری بیشتری برخوردار می‌شود. اما تنها نهادی که در نظام مدارس دولتی برای مداخله نهادهای مردمی و خیریه در نظر گرفته شده، انجمن اولیا و مربیان است که در این راستا چندان کارساز محسوب نمی‌شود.

در طرح‌هایی مانند طرح نماد (نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان) که دستورالعمل آن در مهرماه سال ۱۳۹۹ به ادارات آموزش و پرورش کل استان‌ها ابلاغ شد و با همکاری و ائتلاف ملی ۹ نهاد «قوه قضائیه، وزارت آموزش و پرورش، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، بهزیستی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، نیروی انتظامی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و بنیاد برکت» انجام می‌شود، ردپایی از ظرفیت‌های مردمی دیده نمی‌شود. هرچند این طرح با تمرکز بر روی آسیب‌های اجتماعی مانند «گرایش به دخانیات، سوءمصرف مواد، گرایش به خشونت، بزهکاری‌های اخلاقی و اختلالات روانی مانند اضطراب و افسردگی» تلاش دارد تا زنجیره‌ای از خدمات مشاوره‌ای و مددکاری به کودکان و نوجوانان ارائه کند، به دلیل محدودیت‌های ساختاری و سازمانی از تحت پوشش قرار دادن دانش‌آموزان مهاجر ناتوان است. ازسوی دیگر در اختیار گذاشتن اطلاعات دانش‌آموزان به مجموعه‌های بیرونی، تعرض به حریم خصوصی آنان تلقی می‌شود و ساختار آموزش و پرورش به شدت با آن مقابله می‌کند. با وجود این، به نظر می‌رسد که با هماهنگی‌های محلی صورت گرفته بین مدیران مدارس و نهادهای مردمی، اوضاع زندگی و تحصیل مهاجران سامان می‌یابد.

– ذهنیت و مواجهه نامطلوب مهاجران و جامعه ایرانی به صورت متقابل به دلیل وضعیت

اجتماعی ایران و همچنین وجود ابهامات فراوان در خصوص وضعیت مهاجران در ایران

تصویر ذهنی ایرانیان و مهاجران به‌ویژه مهاجران افغانستانی به دلیل درصد بالای این جمعیت در ایران، به صورت متقابل یکی از موانع ادغام مهاجران در جامعه میزبان شده است. البته این تصویر ذهنی متقابل در سال‌های اخیر به شکل محسوسی تغییر یافته، اما همچنان این وضعیت به دلیل عدم شناخت طرفین

از یکدیگر و نسبت‌های فرهنگی گذشته، وضعیت اجتماعی خاص ایران به‌ویژه در سال‌های اخیر و همچنین ابهام موجود در وضعیت مهاجران پایداری نسبی این چالش در جامعه قابل مشاهده است. درواقع آمار موجود درخصوص جداسازی تحصیلی نشانگر وضعیت شکننده این تصویر منفی نامطلوب در جامعه ایران و درک جامعه از ضرورت ادغام اجتماعی است و علت نظرات درخصوص حضور مهاجران در تهران نیز قابل تعمیم به عدم ادغام اجتماعی مهاجران، پیامدهای ناشی از آن و بازخورد منفی جامعه نسبت به نابسامانی این وضعیت است.

– ذهنیت منفی مهاجران از موطن‌شان

فقدان دلبستگی به موطن اصلی نزد مهاجران ازجمله چالش‌های هویتی کودکان افغانستانی است. درنتیجه کودکان افغانستانی، دچار شرمساری از هویت میهنی خویش در برابر کودکان ایرانی شده‌اند. این مسئله علاوه بر ضعف اعتمادبه‌نفس، به بی‌رغبتی آنان برای بازگشت به وطنشان منجر می‌شود. در صورتی که توجه واقعی و به دور از افراط و تفریط به افغانستان امروز، می‌تواند زمینه رفع این تناقض‌های رسانه‌ای را فراهم کند.

چالش‌های امنیتی

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که بازماندن از تحصیل کودکان هم برای این گروه جمعیتی و هم برای جامعه مقصد مشکلات فراوانی ایجاد می‌کند، چالش‌های امنیتی است. در ادامه دو مورد از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی پیرامون این مسئله تشریح شده است.

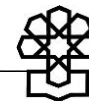
– جمعیت مهاجران بازمانده از تحصیل در نسل دوم و سوم مستعد بزهکاری به‌دلیل محرومیت

اجتماعی

گروه‌هایی از مهاجران که در سال‌های قبل و به دلایل مختلف از تحصیل بازمانده و دوران کودکی و نوجوانی خود را به دور از مدرسه و آموزش سپری کرده‌اند، در صورت ادامه اقامت در ایران کم‌کم به یک جمعیت خاص و مهم در میان مهاجران تبدیل خواهند شد. به‌طور کلی بحران هویت در مهاجران نسل دوم و سوم همواره چالش‌برانگیز بوده و محرومیت‌های اجتماعی هم توانسته است آنان را مستعد هرج‌ومرج کند؛ نباید نادیده گرفت که این گروه از مهاجران افغانستانی به‌دلیل زیست اجتماعی توأم با محرومیت ناخودآگاه به سمت بزهکاری سوق پیدا می‌کنند.

– بازنمایی منفی از مهاجران طرد شده از مدارس در رسانه‌های بیگانه

در موارد متعددی تصویر کودکان و نوجوانان مهاجر بازمانده از تحصیل در ایران مورد سوءاستفاده رسانه‌های بیگانه قرار گرفته است. به‌نحوی که حجم عظیم خدمات آموزش‌وپرورش و نظام جمهوری



اسلامی به مهاجران در حیطه‌های مختلف از جمله آموزش و پرورش به کلی نادیده گرفته شده است.^۱ به نظر می‌رسد اگر تعامل با مهاجران قانونی و غیرقانونی مورد بازنگری سریع و جدی قرار نگیرد، در ارتباط فرهنگی دو کشور اثر چشمگیری خواهد داشت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

وضعیت تحصیل کودکان مهاجر به‌ویژه اتباع افغانستانی در طول دهه‌های گذشته همواره با سیاست‌های متفاوت و متناقضی روبه‌رو بوده است. این مسئله به‌صورت ویژه متأثر از سردرگمی سیاست‌های تابعیت در ایران بوده و به‌دلیل همین آشفتگی، کودکان بسیاری از حق تحصیل محروم مانده‌اند. کودکان مهاجر به‌ویژه افغانستانی در مسیر تحصیل خود با چالش‌های قانونی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی روبه‌رو هستند که هریک از این موارد با توجه به اقامت دائمی این کودکان در کشور فرایند ادغام اجتماعی ایشان را به تأخیر می‌اندازد و تنها مسیر ورود آنها را به ورطه آسیب‌های اجتماعی همچون کودکان کار، دستفروش و زباله‌گرد و اقسام بزهکاری‌های اجتماعی تسهیل می‌کند. این در حالی است که طبق فرمان صریح رهبری درخصوص حق تحصیل این کودکان بایستی به وضعیت تحصیل این کودکان و رایگان شدن آن سرعت بخشیده می‌شد.

وضعیت مهاجران در ایران از سه حالت خارج نخواهد بود:

۱. حضور میلیونی آنان در ایران مستمر خواهد شد و ما شاهد کاهش جمعیت آنان در کشور نخواهیم بود.

۲. شرایط بازگشت مهاجران به کشور افغانستان مهیا می‌شود و بخشی از جمعیت آنان به این کشور باز می‌گردند و در حداقلی‌ترین شکل، مهاجرت‌های جدید به ایران صورت نمی‌پذیرد.

۳. اروپا بار دیگر سیاست جذب مهاجر را در پیش می‌گیرد و عده‌ای از مهاجران حاضر در ایران، کشور را به قصد مرزهای اروپا ترک می‌کنند.

درحقیقت استمرار حضور مهاجران در ایران، بازگشت آنان به افغانستان یا عزیمت به کشورهای دیگر به بسیاری عوامل سیاسی، اقتصادی و امنیتی خارج از اراده حاکمیت ایران (همچون شرایط سیاسی، اقتصادی و امنیتی حاکم بر کشور افغانستان، سیاست‌های مهاجرتی کشورهای اروپایی و ...) باز می‌گردد. اما به نظر می‌رسد در چشم‌انداز پنج سال آینده و با توجه به موج مهاجرتی برآمده پس از استقرار طالبان و شرایط وخیم اقتصادی کشور افغانستان و با توجه به هرم رشد جمعیت کشور ایران و سابقه گذشته، در حداقلی‌ترین شکل هر سال حدود ۵۰۰ هزار نفر کودک و نوجوان لازم‌التعلیم مهاجر در کشور حضور

۱. فیلم سینمایی «مدرسه» ساخته اسد اسکندر، فیلم‌ساز افغانستانی که تولید و توقیف پخش آن در سال ۱۳۹۰ مورد توجه فراوان رسانه‌های غربی قرار گرفت.

داشته باشند. این رقم برابر با تعداد دانش‌آموزان ثبت‌نام شده در سال‌های تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ و ۱۴۰۱-۱۴۰۰ است که همان‌طور که در بخش آمار و ارقام ذکر شد، اکثریت آنان در مقطع ابتدایی مشغول به تحصیل هستند. از سوی دیگر، توسعه آموزش مجازی در شرایط پسا کرونا به عنوان یک فرصت برای جاماندگان از تحصیل و یک تهدید برای دانش‌آموزان نیازمند توجه ویژه شناخته می‌شود. دانش‌آموزان مهاجر تحت تأثیر توأمان این فرصت و تهدید هستند.

راهکارهای پیشنهادی برای بهبود وضعیت تحصیل کودکان مهاجر در ایران

برای مدیریت چالش‌های گفته شده و کاهش آثار منفی این چالش‌ها و افزایش فرصت‌های حاصل از فرمان رهبری مبنی بر حق تحصیل همه کودکان مهاجر حاضر در ایران، این گزارش پیشنهادهای تقنینی، نظارتی و اجرایی زیر را ارائه داده است: (لازم است تأکید شود که هریک از پیشنهادهای اجرایی نیز در صورت پایداری وضعیت تحصیل کودکان در قالب پیشنهادهای تقنینی و نظارتی، قابلیت تبدیل به یک مطالبه نظارتی را داراست).

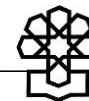
پیشنهادهای تقنینی:

- تدوین قانون ادغام اجتماعی اتباع و تأکید بر یک سرفصل ذیل آن در خصوص تحصیل کودکان.^۱

پیشنهادهای نظارتی:

- پیگیری نظارتی از دولت در مورد کیفیت و کمیت وضعیت اجرای فرمان رهبری در خصوص تحصیل کودکان مهاجر برای جلوگیری از تفسیرهای شخصی و پایدارسازی روند اجرای آن.
- پیگیری نظارتی از دولت برای در اولویت قرار دادن برگزاری سریع و گسترده دوره‌های آموزشی برای مدیران، کادر و معلمان مدارس پذیرنده مهاجران با هدف اشاعه پروتکل‌ها و استانداردسازی رفتار با مهاجران و کودکان مهاجر در قالب آیین‌نامه‌های داخلی آموزش و پرورش.
- پیگیری نظارتی در خصوص جلوگیری از جداسازی دانش‌آموزان ایرانی و افغانستانی در مدارس و جلوگیری از جدا کردن شیفت دانش‌آموزان مهاجر از شیفت دانش‌آموزان ایرانی در مدارس دو شیفته و تأکید بر تحصیل این دو قشر در کنار هم و در کلاس‌های مشترک و در شیفت‌های یکسان در قالب آیین‌نامه‌های داخلی آموزش و پرورش.

۱. مسئله غیرقابل انکاری که وجود دارد این است که مهاجران افغانستانی حاضر در ایران یک‌دست نیستند. تعداد مهاجران غیرقانونی و تازه‌وارد همواره عدد بالایی بوده است. اما در این میان جمعیت‌های چندصد هزار نفری از مهاجران قانونی نیز حضور دارند که گاه نه تنها خود بلکه پدر و مادرشان هم متولد کشور ایران هستند. سامان‌دهی اقامت اتباع خارجی در ایران باید هم‌زمان با تدوین قانون ادغام اجتماعی این دسته از مهاجران صورت بگیرد زیرا ده‌ها سال حضور قانونی در ایران برای آنان انتظاراتی را ایجاد کرده است و با توجه به شرایط اجتماعی کشور ایران ادغام آنان باید به صورت نظام‌مند انجام شود. بایستی تحصیل کودکان مهاجر نیز با توجه به حساسیت‌های آن در زیرمجموعه این قوانین مورد مذاقه قرار گیرد.



پیشنهادهای اجرایی:

- تدارک تشکیل کمیته یا کارگروه ویژه در ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها برای بررسی موارد خاص تحصیل مهاجران و جلوگیری از اعمال سلیق شخصی در موارد گوناگون.
- فعال‌سازی ظرفیت‌های فعالان افغانستانی برای تأسیس مدارس خودگردان به‌ویژه به‌عنوان اولین پایگاه ادغام دانش‌آموزان مهاجر برای ورود به مدارس ایرانی با محتوای درسی استاندارد و تحت نظارت مستقیم وزارت آموزش و پرورش
- عدم جداسازی اجباری دانش‌آموزان ایرانی و افغانستانی در مدارس و جلوگیری از جدا کردن اجباری شیف‌ت دانش‌آموزان مهاجر از شیف‌ت دانش‌آموزان ایرانی در مدارس دو شیفته و اولویت تحصیل این دو گروه در کنار هم و در کلاس‌های مشترک و در شیف‌ت‌های یکسان در قالب آیین‌نامه‌های داخلی آموزش و پرورش.
- توسعه آموزش مجازی برای کودکان اتباع بازمانده از تحصیل.
- لزوم تولید محتوای آموزشی در کتاب‌های درسی درخصوص معرفی و شناخت حوزه تمدنی ایران در محدوده‌ای از هندوستان، افغانستان، پاکستان و کشورهای آسیای میانه (تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و قزاقستان) و حوزه جغرافیایی قفقاز (آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) و همچنین دوران طلایی اسلامی به‌منظور آشناسازی هم‌زمان دانش‌آموزان ایرانی و مهاجر درخصوص ارتباطات فرهنگی و ثیق کشورها در گذشته با محوریت چهره‌ها و مفاخر تاریخی ایران فرهنگی.
- تولید محتوای آموزشی در کتاب‌های درسی جاری کشور با موضوع توجه به مهاجران و پذیرش اختلاف‌ها و دعوت به وحدت در ارتباط کودکان ایرانی با مهاجران.
- برقراری ارتباط سازمانی میان خیریه‌ها و مدارس با هدف رفع کمبودهای ضروری دانش‌آموزان مهاجر.
- توسعه برنامه‌های تبلیغی و ترویجی رسانه‌ای در نمایش نقاط مثبت حضور مهاجران در ایران و تصحیح ذهنیت عمومی نسبت به آنان.
- برگزاری برنامه‌های تفریحی و خانوادگی در مدارس با هدف ایجاد انس و الفت میان خانواده‌های مهاجران و خانواده‌های دانش‌آموزان ایرانی.
- توجه به آموزش‌های مهارتی، فنی و هنرستانی در مدارس دارای سرانه بالای مهاجران با هدف توسعه اشتغال سالم.
- سرمایه‌گذاری در حوزه بازنمایی رسانه‌ای حضور دانش‌آموزان مهاجر در ایران و روایت داستان‌های واقعی تحصیل آنان در مدارس ایران در سطح بین‌المللی، جهت ایجاد تصویر مثبت از ایران در جهان و افزایش جذب کمک‌های بین‌المللی.

منابع و مآخذ

۱. پناهندگان در ایران، صفحه ایران در سایت کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان: [iran.in.https://www.unhcr.org/ir/refugees](https://www.unhcr.org/ir/refugees) تاریخ بازیابی بهمن‌ماه ۱۴۰۰.
۲. حقیقت‌طلب، سیدپیمان و محسن، شهرابی فراهانی. فرزندان حاصل از ازدواج بانوان ایرانی با اتباع خارجی: بررسی مشکلات، مسائل و ارائه راهکارها، تهران، مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی، ۱۳۹۷.
۳. حقیقت‌طلب، سیدپیمان. اصلاح قانون اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی: از تصویب تا مشکلات اجرایی و راهکارهای پیشنهادی، تهران، معاونت پژوهش‌های اجتماعی فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اجتماعی، ۱۴۰۰.
۴. حیدری عبدی، احمد. بررسی میزان رضایت شغلی معلمان مدارس خودگردان افغانی استان اصفهان (پایان‌نامه). اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۴.
۵. خان‌محمدی، احمد. پیامدهای مهاجرت افغان‌ها به ایران از سال ۱۳۵۷ به بعد، قم، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی حجتیه، ۱۳۸۵.
۶. خبرآنلاین. (مهرماه ۱۴۰۰). روایت وزیر کشور از دستور ویژه رهبر انقلاب درباره کودکان افغان، بازیابی در مهرماه ۱۴۰۰، <https://www.khabaronline.ir/news/1308415>
۷. خبرگزاری برنا. (خردادماه ۱۳۹۷). سرنوشت جداسازی دانش‌آموزان افغان از ایرانی‌ها از زبان وزیر. بازیابی در خردادماه ۱۳۹۷، <https://www.borna.news/fa/tiny/news/719597>
۸. خبرگزاری پانا. (۲۴ مهرماه ۱۳۹۷). غلامرضا کریمی خبر داد: پوشش تحصیلی دانش‌آموزان پناهنده در ایران ۲۰ درصد بیشتر از میانگین جهانی است، بازیابی در ۲۴ مهرماه ۱۳۹۷، <http://www.pana.ir/news/862737>
۹. خبرگزاری مجلس شورای اسلامی (مهرماه ۱۳۹۷). تعداد دانش‌آموزان اتباع در مدارس نباید بیشتر از ایرانی‌ها باشد/ در مدارس مختلف توزیع شوند، بازیابی در مهرماه ۱۳۹۷، <https://www.icana.ir/Fa/News/406218>
۱۰. انجمن دیاران. (اسفندماه ۱۳۹۹). تحصیل کودکان مهاجر در رویداد چهارسوق، بازیابی در اسفندماه ۱۳۹۹، <http://diaran.ir/%d8%aa%d8%ad%d8%b5%db%8c%d9%84%da%a9%d9%88%d8%af%da%a9%d8%a7%d9%86%d9%85%d9%87%d8%a7%d8%ac%d8%b1/>
۱۱. صادقی، رسول. ادغام و پیشرفت آموزشی کودکان پناهنده در ایران، تهران، انتشارات مرکز امور بین‌الملل و مدارس خارج از کشور وزارت آموزش و پرورش، ۱۴۰۰.
۱۲. صادقی، رسول. تحولات اجتماعی - جمعیتی مهاجران افغانستانی در ایران، بازیابی در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰، <http://diaran.ir/%d9%85%d9%87%d8%a7%d8%ac%d8%b1%d8%a7%d9%86%d8%a7%d9%81%d8%ba%d8%a7%d9%86%d8%b3%d8%aa%d8%a7%d9%86%db%8c%d8%af%d8%b1%d8%a7%db%8c%d8%b1%d8%a7%d9%86/>
۱۳. معاونت پژوهش‌های اجتماعی فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اجتماعی، تحلیلی بر چالش‌های تقنینی و نظارتی ساماندهی کودکان زباله‌گرد در ایران، ۱۴۰۰/۱۱/۱۶.
۱۴. موسوی، سید نادر. بررسی کارکردهای مدارس خودگردان افغانستانی (پایان‌نامه)، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۱۵. نصر اصفهانی، آرش. در خانه برادر، پناهندگان افغانستانی در ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۷.



۱۶. نصر اصفهانی، آرش. نگرش ایرانیان به مهاجران افغانستانی، بازیابی در ۱۳ خردادماه ۱۳۹۹، از میدان:
<https://meidaan.com/archive/70530>
۱۷. نصر اصفهانی، آرش و سیدحسن، حسینی. بررسی تأثیر سیاست‌های تحصیل اتباع افغانستانی در ایران (مورد مطالعه: شهر تهران)، نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی، ش ۲۰، پاییز ۱۳۹۵.
۱۸. هودفر، هما. تلاش جوانان پناهنده افغانی در ایران برای امتناع از حاشیه‌ای بودن. مجله گفتگو، تیرماه ۱۳۸۶.
۱۹. وزارت آموزش و پرورش. هزینه ۱۰۰۰ میلیارد تومانی آموزش اتباع خارجی، بازیابی از وزارت آموزش و پرورش
<https://www.medu.ir/fa/news/item/650306> ۲۳ آذرماه ۱۳۹۷
20. Heckmann, Friedrich.(2008). Education and migration_Strategies for integrating migrant children in European schools and societies : a synthesis of research findings for policy_makers. Katharinenstraße: University of Bamberg

